اشکار

اگر چیزی آشکار باشد ، دیدن آن آسان است.

خوشحالی او از لبخند روی صورتش مشخص بود.

نابینا

وقتی افراد نابینا می شوند ، نمی توانند ببینند.

مرد نابینا سوراخ را ندید و تقریبا داشت به داخل ان می افتاد.

محاسبه کردن

محاسبه کردن به معنای یافتن جواب با استفاده از ریاضی است.

من محاسبه کردم که چقدر پول برای خرید ماشین نیاز دارم.

گپ زدن

گپ زدن گفتگو با کسی است.

گرچه زن و شوهر از هم دور بودند ، اما انها هر روز با هم گپ می زدند.

مرتکب شدن

تعهد به کاری قول دادن به انجام آن است.

شیث می خواهد به خانه خود برود ، اما او متعهد شده بود که کار را کامل کند.

ساختن

ساختن چیزی درست کردن آن از قطعات کوچکتر است.

تونیا گزارش خود را با استفاده از منابع اطلاعاتی بیشتری تهیه کرد.

خوابگاه

خوابگاه ساختمان مدرسه ای است که دانش آموزان در آن زندگی می کنند.

من در ابتدای سال تحصیلی به خوابگاه منتقل می شوم.

خسته کردن

خسته كردن کسی باعث خستگی او می شود.

جان تمام روز خود را با شنا خسته کرد.

گلخانه

گلخانه یک ساختمان شیشه ای کوچک است که برای رشد گیاهان استفاده می شود.

ما در حیاط خانه خود یک گلخانه کوچک داریم که در آن گیاه می کاریم.

چشم پوشی کردن

نادیده گرفتن چیزی مانند این است که به گونه ای عمل کنید که شما ان را نمی بینید یا گوش نمی دهید .

من پیامی را که او فرستاد نادیده گرفتم و به مطالعه ادامه دادم.

واضح

اگر چیزی واضح باشد ، مشخص است و به راحتی دیده می شود.

آشکار بود که خسته است. مدام به خواب می رفت.

فیزیک

فیزیک علمی است که با انرژی و چگونگی تأثیر آن در امور خدمات کار می کند.

در کلاس فیزیک ، ما از Newton’s Cradle برای یادگیری انرژی استفاده می شود.

سهم

سهمی از چیزی بخشی از آن است.

من فقط قسمت کمی از پیتزا را خوردم.

به یاد آوردن

یادآوری کسی به این معنا است که انجام کاری را به او به یاد بیاوریم .

پدر نیک به او یادآوری کرد که باید تکالیف خود را انجام دهد.

منشی

منشی شخصی است که در یک دفتر کار می کند.

ربکا از منشی خود خواست تا گزارشی را تایپ کند.

شدید

اگر چیزی شدید باشد ، بسیار بد یا جدی است.

سام پس از ضربه چکش به دستش ، درد شدیدی داشت.

استعداد

اگر کسی استعدادی دارد ، به طور طبیعی قادر به انجام آن است.

ماریا استعداد نواختن پیانو را دارد.

پایان نامه

پایان نامه ایده ای است که باید اثبات شود.

او پایان نامه خود را به خوبی حمایت نمی کند.

لباس فرم

یونیفرم تکه ای از لباس است که افراد هم گروه آن را می پوشند.

همه اعضای باند راهپیمایی ما یونیفرم های یک دست را بر تن می کنند.

چشم انداز

چشم انداز عمل بینش است.

چشم پزشک بینایی من را آزمایش کرد.

سو همان روز صبح زود از خوابگاه خارج شد. او حتی شب قبل لباس فرم خود را شسته بود. او می خواست برای این روز زیبا به نظر برسد.

سو به یادگیری متعهد بود و استعداد گرفتن نمرات خوب را داشت. در واقع ، سو زیاد نمی خوابید. وی مقاله ای نوشت و رساله کاملی در مورد اهمیت گلخانه ها یافت. او همچنین برای تست فیزیک خود مطالعه کرد. سو از قبل خسته شده بود.

در طول آزمون ، او پاسخ های خود را محاسبه کرد. به زودی ، او احساس مریضی کرد. صورتش داغ شد و دیدش تار شد. او یک لحظه نابینا شد. معلم بیماری آشکار سو را دید. او می خواست او را پیش پرستار بفرستد. اما او نمی رفت. سو هنوز بخشی از آزمون را برای اتمام داشت.

پس از آن ، سو نزد پرستار رفت. پس از دیدن منشی ، منتظر شد. چند دقیقه بعد ، پرستار با یک لیوان آب میوه وارد شد و به سو گفت که لازم است گپ بزنند. پرستار گفت: "بدیهی است که خود را خسته کرده اید." "اگر خیلی سخت کار کنید ، می تواند نتایج شدیدی داشته باشد."

پدر و مادرم همیشه به من می گویند. حدس می زنم نباید آنها را نادیده بگیرم. "سو گفت.

پرستار گفت: "شما باید به خود یادآوری کنید که استراحت اشکالی ندارد."

وقتی سو به اتاقش برگشت ، درست به رختخواب رفت. او مطمئن شد که بعد از آن هر شب به اندازه کافی استراحت می کند.